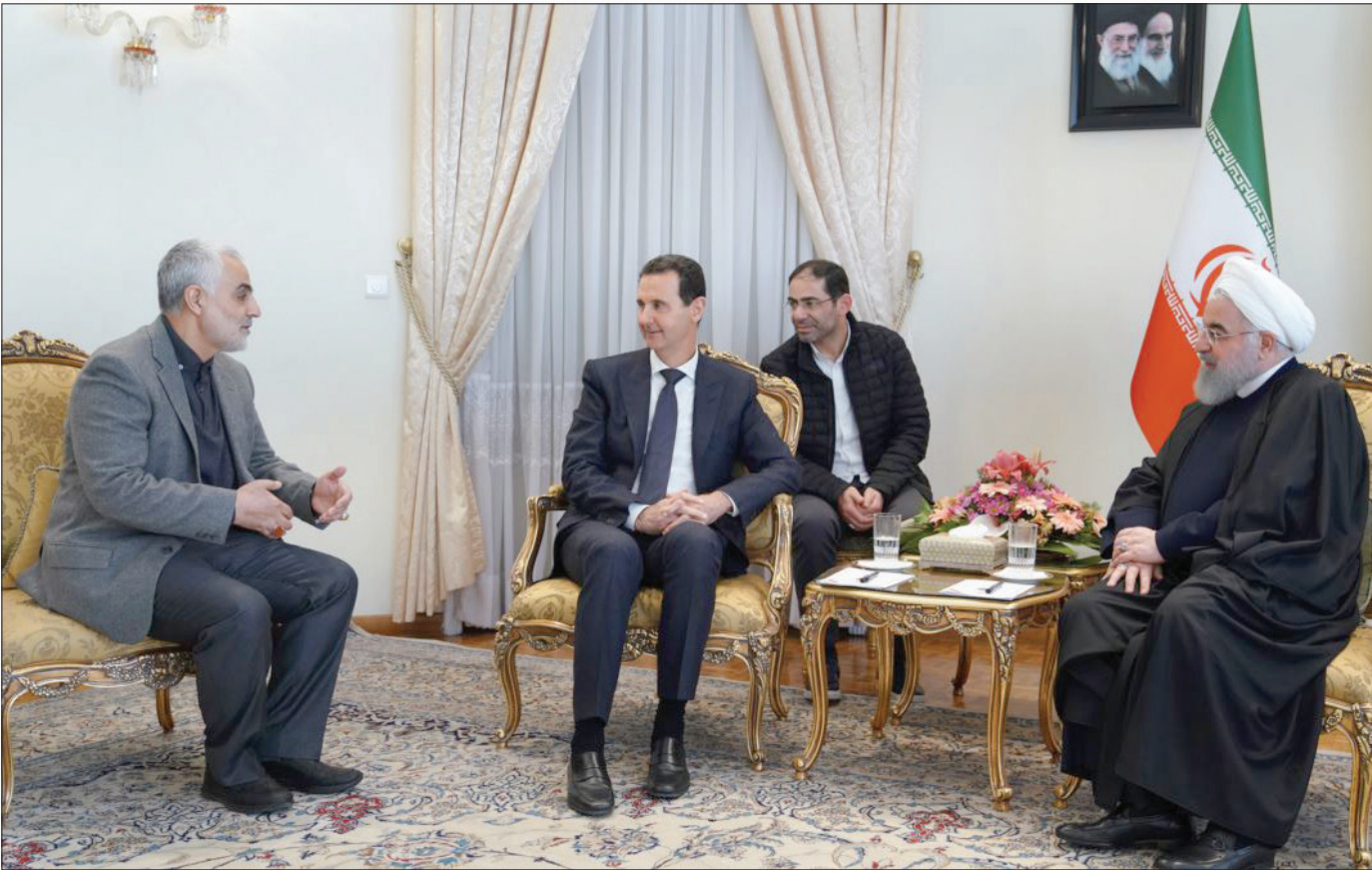




ایده مقاومت فعال چگونه در غرب آسیا فراگیر شد؟

مجری پروژه عقلانیت انقلابی در منطقه



همزمان با ایامی که ایالات متحده آمریکا با همراهی اروپایی‌ها فشارهای خودرا(علیه‌ایران) به نهایت رساند و در مقابل نیز، تکیه بی‌حد و حصر دولت دوازدهم به دیپلماسی و امیدواری به میز مذاکره و رایزنی با پایتخت‌های اروپایی نتیجه نداد، سلسله‌وقایعی در داخل و کشورهای حاشیه‌ای ایران رخ داد که نه‌تنها توانست خلأ کارآمدی دیپلماسی را پر کند، که حالا جاده‌بازکن دیپلماسی و از آن مهم‌تر زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و تحریم‌شکنی هم شده است، سلسله‌وقایعی که با تدابیر هوشمندانه یک فرد نظامی یا بهتر بگوییم یک «انقلابی شش‌دانگ» برای ایران هم امنیت آورده، هم اقتصاد، هم انسجام ملی و هم امیدواری به آینده. توصیف را خلاصه کنیم، امروز می‌خواهیم درمورد نسخه اصلی و به‌اصطلاح اورجینال مساله «مقاومت» و مجری هوشمند و کارآمد آن یعنی سرلشکر قاسم سلیمانی بنویسیم.

شاید اگر پیش از این کسی می‌خواست درمورد مساله مقاومت، هزینه‌ها و فوایدش، نحوه اعمال، مجری و نهایتا نتایج ملموسش سخن بگوید باید جست‌وجو می‌کرد تا آمارهای قابل اعتنایی را بیابد و آنها را با استدلال‌هایی همه‌فهم و قابل تکیه برای مردم توضیح دهد و البته انرژی زیادی صرف کند تا ناکارآمدی تئوری‌های مقابل مقاومت را اثبات کند. اما حالا همه‌چیز واضح و آشکار است. آنچه در مقابل مقاومت قرار گرفته، از تسلیم تا سازش، نتیجه‌نهایی خود را نشان داده و مشخص شده که نه‌تنها در عرصه سیاست خارجی نمی‌تواند موفق باشد که از امکان لازم برای اداره کشور به‌ویژه ساماندهی به مسائل اقتصادی هم برخوردار نیست، در مقابل اما سردار سلیمانی توانسته با حرکت بر مدار عقلانیت انقلابی، الگوی اصیل مقاومت را به جامعه و کشور ارائه کند. الگوی سلیمانی در داخل کشور بدون سوگیری جناحی و ایجاد تنش با گروه‌های سیاسی ذیل پرچم نظام، توانسته به وحدت و انسجام ملی کمک کند و از قضا با وجود فرم و برند نظامی حتی مدافع آزادی هم باشد و کسی نتواند از ضدیت سلیمانی با آزادی یا تلاش وی برای محدودیت سخن بگوید.

با وجود اینکه برخی در دولت او و همکارانش را دولت باسلاح می‌نامند،او می‌ایستد،سینه سپر می‌کند و می‌گوید حرف‌هایتان را به من بز نیند نه سپاه،در عین‌حال سلیمانی در داخل حتی با ظرفیت و مادامی که او در دایره انقلاب است هم مرزبندی تنش‌زایی ندارد، بلکه به‌گونه‌ای رفتار کرده که مردم

او را حامی دستگاه دیپلماسی و دیگر اجزای دولت مستقر می‌دانند و از بیرون هر آنکه نگاه می‌کند به این می‌رسد که پشت ظرف، حتی به سلیمانی هم گرم است، شاید همین هم باشد که باعث شده ظرف به سعودی‌ها بگوید اگر من را ماله کش اعظم می‌دانید و حاضر به مذاکره با من نیستید، سلیمانی با شما صحبت کند!

این وضعیت در حالی است که او در سیاست خارجی چندین و چند گام از دیپلمات‌های وزارت امور خارجه جلوتر است؛ در ماجرای سوریه کسی که شخصا به مسکو می‌رود و رئیس‌جمهور روسیه را برای ورود نظامی به کارزار نظامی مجاب می‌کند، نه کارگزاران دستگاه سیاست خارجی که فرمانده نیروهای قدس سپاه است، کسی که ظاهرا پوتین هم روی حرفش حساب می‌کند و می‌داند او بهتر از هر فرد دیگری قابل اعتناست، منطقه و تهدیدهایش را می‌شناسد و می‌تواند در مقابل موج افراط‌گرایی و تروریسم بایستد. حتما دراین‌باره

باید گفت مذاکرات او با پوتین و دیگر رایزنی‌هایش با سران منطقه و بازیگران خارجی حاضر در عراق و سوریه، الگوی موفق‌ی از مذاکره هم بوده است، مذاکراتی که خروجی‌محور است، قید زمان دارد، از موضع اقتدار است، امتیاز نمی‌دهد، مبتنی‌بر همکاری مشترک با همسایگان تعریف می‌شود و نهایتا تأمین‌کننده منافع ملی است.

سلیمانی در شرایطی که برخی در داخل می‌گفتند سوریه هم برجام می‌خواهد یا اینکه تنها راه‌حل سوریه مذاکره و گفت‌وگوهای سیاسی است، راه‌حل واقعی حل معضل را اجرا کرد و امنیت را به ساکنان منطقه از مرزهای غربی ایران تا غرب سوریه بازگرداند. از این‌رو شاید بهتر باشد او را معمار هندسه جدید منطقه غرب و جنوب غرب آسیا هم بنامیم، کسی که یک‌تنه ایده‌هایش سوریه و عراق را از تجزیه نجات داد، ترکیه را از رفتن به دامان آمریکا عقب کشاند، گروه‌های فلسطینی را منسجم کرد، رژیم صهیونیستی را مستاصل

ساخت، امارات را از همکاری اقتصادی- امنیتی با آمریکا علیه ایران عقب راند و نهایتا یمنی‌ها را در مقابل حملات پنج‌ساله ائتلاف سعودی سرپا نگه داشت و آنها را به تهدیدی علیه توسعه‌طلبی ریاض تبدیل کرد. این الگوی موفق البته در داخل با دو تهدید جدی هم مواجه است، یکی جریان مقابلش که تلاش می‌کند آن را منزوی کند و دیگری جریان مقاومت بدلی که نه‌تنها نامش شبیه الگوی اصلی است، ولی در عمل زاویه جدی با آن دارد.

جریان اول همچنان مهم‌ترین ایده این جریان در کشور برای حفظ جایگاه خود در افکارعمومی و احتمالا توفیق در انتخابات پیش‌رو، دامن زدن به دوقطبی‌های جعلی و کاذب در فضای سیاسی- اجتماعی در ایام منتهی به اسفندماه ۹۸ و انتخابات ۱۴۰۰ است. ضریب دادن بیش از حد به خروجی‌های کم‌رقم دستگاه دیپلماسی، تعریف کاریکاتوری از وقایعی مانند خروج ترامپ از کاخ سفید، ادامه پروپاگاندای رسانه‌ای درمورد نقش فرانسه و

همنشینی مقاومت و دیپلماسی

شیوه مواجهه سردار سلیمانی با نیروهای جبهه انقلاب در نوع خود درس‌آموز است. الگوی الهام‌بخش که ضمن تقویت انسجام درونی می‌تواند در نگاه بیرونی به کشور نیز پیش‌برنده و راه‌گشا باشد. یکی از بارزترین مصادیق این رویه را می‌توان در تعامل سردار با ظرفیت توصیف کرد. حاج‌قاسم در چند مقطع، نسبتی مشخص میان خود و ظرفیت کشیده است. نمونه متاخر آن را می‌توان ماجرای تحریم‌وزیر امور خارجه از سوی دولت آمریکا دانست. سردار در واکنش به این موضوع شخصا به وزارت امور خارجه رفت وضمن تبریک به ظرفیت بابت مورد غضب و دشمنی آمریکا قرار گرفتن به‌دلیل انتساب به رهبر انقلاب، دفاع از منافع ملی و صداقت در بیان را از خصوصیات ویژه ظرفیت دانست؛ اتفاقی که پیام صریح آن حمایت قاطع از رئیس دستگاه دیپلماسی بود و خلی‌ها از آن به‌عنوان هم‌نشینی مقاومت و دیپلماسی یاد کردند.

این البته اولین باری نبود که سردار به حمایت از ظرفیت برمی‌خاست. سردار سلیمانی یک‌بار دیگر و در ماجرای استعفای گلایه‌آمیز وزیر امور خارجه در جریان سفر بشار اسد به تهران –به‌واسطه عدم حضور در دیدارهای رسمی- از همراهی ظرفیت در مبارزه با دشمنان و تأمین امنیت ملی تقدیر و از او به‌عنوان مسئول اصلی در حوزه سیاست خارجی یاد کرد. رفتاری که در عین تقویت ارکان دولت و رویکرد جدید آن در شرایط کنونی، نشان از نگاه برادرانه سردار سلیمانی نسبت به نیروهای انقلاب دارد و او را از بسیاری سیاسایون و نظامیان متمایز می‌کند.

نگاه سردار در مسائل فرهنگی واجتماعی

عقلانیت انقلابی در رفتارها و مواضع داخلی سردار هم به‌طور محسوسی ظهور و بروز دارد. او برخلاف برخی نگاه‌های رایج در جریان ارزشی دسته‌بندی‌ها و مرزبندی‌های کاذب را برنمی‌تابد و از اساس آنها را باطل می‌داند. از نظر سلیمانی اینکه در جامعه مدام بگوییم او بی‌حجاب و این باحجاب است آن یکی اصلاح‌طلب و این یکی اصولگراست به کلی غلط بوده و اساسا با این دست‌فرمان کسی برای انقلاب باقی نمی‌ماند.

او معتقد است قرار نیست همه مثل هم باشند و در یک خانواده هریک از فرزندان به یک گونه‌اند، پدر، همه اینها را جذب می‌کند و جامعه هم حکم همان خانواده را دارد. لذا اینکه بگوییم من هستم و بچه‌های حزب‌اللهی خودم، نمی‌شود حفظ انقلاب و امامان جماعت مساجد باید بتوانند با حجاب و بی‌حجاب را با هم جذب کنند.

در اقدامی دیگر صفحه‌تویتر منتسب به سردار سلیمانی دوماه پیش به‌مناسبت روز حجاب و عفاف پستی معنادار منتشر کرد که در آن تأکید شده بود افراد کم‌حجاب هم جزئی از جامعه ما هستند و باید مانند سایر افراد به آنها نگاه و نباید آنها را از جامعه طرد کرد. در این پست آمده بود: «من اصلا قبول ندارم در بین بچه‌حزب‌اللهی‌ها بگیم این آدم با اون شکل و قیافت...! همان دختر کم‌حجاب، دختر منه، دختر ما و شماست؛ نه دختر خاص من و شما، اما جامعه ماست.»

آبی بر آتش کربلای ۴

پس از ۳۲ سال یک اظهارنظر کافی بود تا داغ کربلای ۴ تازه شود؛ عملیاتی که براساس برخی آمارها بیش از هزار شهید و قریب به ۳۹۰۰ مفقودالاثر روی دست زندمندان گذاشت و فقط یک قلم از این داغ، ۱۷۵ شهید غواصی بود که زنده‌به‌گور شدند. ۲۲ سال بعد محسن رضایی، فرمانده وقت سپاه در توبیتی مدعی شد عملیات کربلای ۴ برای قریب دشمن انجام شد و با این عملیات به دشمن وانمود کردیم عملیات سالانه ما تنها همین عملیات بوده است؛ ادعاهایی که در سالگرد غم‌انگیزترین عملیات

جنگ فضای سیاسی و اجتماعی کشور را با ابهاماتی اساسی مواجه کرد. ابهاماتی از این دست که اساسا چرا باید تعداد زیادی از زندمندان به‌خاطر یک عملیات قریب که از قضا لو هم رفته بود، به شهادت برسند؟ سردار سلیمانی در این فضای غبارآلود که سیاسایون و نظامیان در پیشگاه افکارعمومی سخت از خجالت هم درمی‌آمدند سکوت را جایز ندانست و با حضور تلفنی در یک برنامه زنده به شبهات پاسخ گفت. او ضمن دلجویی از خانواده‌های شهدا، کربلای ۴ را عملیات اصلی –و نه عملیات قریب- دانست که مثل خیلی از عملیات‌های دیگر همچون رمضان و والفجر مقدمانی و بدر به نتیجه نرسید. او همچنین از واقعیتی سخن گفت که تا اکنون هیچ‌گاه با این صراحت گفته نشده بود. به گفته سردار، یک منطق نظامی وجود دارد و آن این است که در همه عملیات‌ها درصدی از لورفتگی وجود دارد، کم‌اینکه عملیات بیت‌المقدس هم لو رفته بود و اگر ما برمی‌ای این می‌خواستیم تصمیم بگیریم، نباید هیچ عملیاتی را انجام می‌دادیم.

انتقام‌سخت

شهادت شهید حججی در مرداد ۹۶ موجی از مطالبه عمومی را برای انتقام از داعش در جامعه پدید آورد. همان روزها بسیاری از فرماندهان نظامی و مسئولان سیاسی اعلام کردند انتقام خون حججی را از تروریست‌های داعش خواهند گرفت. افکارعمومی هم که یک‌بار در ماجرای حمله تروریستی به مجلس و پاسخ موشکی سپاه به آن، نسبت به انتقام دوباره از داعش خوش‌بین بود، عکس‌العمل قاطع ایران را انتظار می‌کشید.

در این میان اما یک اظهارنظر از سایرین برجسته‌تر بود. سردار سلیمانی یک‌ماه بعد در یک سخنرانی گفت: «ما انتقام خواهیم گرفت و باید به وعده خودمان صادق باشیم.» او البته این‌بار جزئیات دقیقی از انتقام ایران ارائه داد و اعلام کرد کمتر از سه‌ماه بعد طومار داعش درهم پیچیده خواهد شد. سلیمانی تصریح کرد: «انتقام ما کمتر از سه‌ماه دیگر، اعلام پایان داعش و حکومتش در این کره خاکی خواهد بود. ما ضربات خودمان را قاطعانه و بدون وقفه ادامه خواهیم داد برای اینکه سه‌ماه را به دوماه تبدیل کنیم تا این شجره خبیثه و این غده سرطانی خطرناک ساخته‌شده به دست آمریکا و اسرائیل را ریشه‌کن کنیم و جشن آن را در ایران و بین همه منطقه اعلام خواهیم کرد.»

وعده‌ای که بسیار بزرگ به‌نظر می‌رسید و در نگاه اول بیشتر به رجزخوانی‌های متعارف نظامی شبیه بود. واقعیت اما از قرار دیگری بود و عملیات‌های جبهه مقاومت به‌صورت گسترده در عراق و سوریه آغاز و شهرها یکی پس از دیگری از تروریست‌ها پس گرفته شد. به این ترتیب با آزادی الانبار در عراق و سپس آلبوکمال در دیرالزور سوریه وعده حاج‌قاسم در کمتر از سه‌ماه محقق شد و حکومت داعش در منطقه به پایان رسید.

مانع برنامه‌ریزی‌های سیاسی ونظامی آمریکا

در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۹۳ داعش با پیشروی به سمت شمال عراق توانست مناطق مهمی را از این کشور ازجمله موصل به تصرف خود درآورد. این موضوع و درخواست کمک مقامات عراقی از ایران، باعث شد سردار سلیمانی از همان روزهای ابتدایی وارد کارزار شود. سقوط موصل می‌توانست سقوط بغداد و اربیل را هم به‌دنبال داشته باشد و این یعنی سرنگونی دولت مرکزی عراق. اما فرماندهی میدانی سردار مانع این اتفاق شد و همه رشته‌های داعش و حامیان فرماندهی‌ای آن را پنبه کرد. در این میان جلوگیری از سقوط شهر سامرا در استان صلاح‌الدین –که به‌طور کامل سقوط کرده بود- در کنار کمک به کردهای اقلیم به‌رغم بی‌توجهی بارزانی به هشدارها در مرحله اول، از دیگر اقدامات ژنرال ایرانی به‌شمار می‌رود.

مارکو کارنلوس، سفير سابق ایتالیا در عراق که پیش از آن مشاور چند نخست‌وزیر ایتالیا در مسائل غرب آسیا و شمال آفریقا بوده، پیش‌تر دراین‌باره به «فرهیختگان» گفته بود: «باید اعتراف کنم ارتش ایالات متحده توانایی‌های ژنرال ایرانی را تحسین می‌کند زیرا تاکنون ایران از طریق فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، یک مانع بسیار موثر برای برنامه‌ریزی سیاسی و نظامی ایالات متحده در خاورمیانه بوده است. البته ارتش آمریکا چاره‌ای جز این ندارد که ژنرال سلیمانی را به‌عنوان یک مهره موثر در منطقه بپذیرد. آمریکایی‌ها به‌صورت خصوصی هم در جلساتی که من با آنها داشته‌ام پذیرفته‌اند این مداخله سریع ایران در سال ۲۰۱۴ بود که پس از سقوط موصل، مانع سقوط بغداد و اربیل توسط داعش شد.»